

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: برونو گیگ^۱
برگردان ناز: حمید محوی
۲۱ نومبر ۲۰۱۸

جنگ علیه تروریسم بهانه ای برای جنایت علیه توده های مردم

مرکز پژوهشهای جهانی سازی
۱۸ نومبر ۲۰۱۸



¹ Bruno Guigue

درباره برونو گیگ: مقام عالی رتبه دولت فرانسه، مقاله نویس و سیاست شناس، استاد فلسفه در دبیرستان و استاد یار روابط بین المللی در دانشگاه رتونیون. او نویسنده ۵ کتاب است «منشأ جنگ اسرائیل و عرب، ندامت پنهان غرب، هارماتان ۲۰۰۲»، «آیا باید لنین را سوزاند؟»، «دلایل برده داری» از جمله این کتابهاست و صدها مقاله. برونو گیگ بخشدار شهر سنت، در سال ۲۰۰۸ به دلیل نوشتن گزاره ای که به «نباید گفت ها تعلق دارد» یعنی افشای «ارتش اسرائیل کودکان فلسطینی را به قتل می رساند» از سوی میشل آلیو ماری وزیر کشور فرانسه از مقام خود بر کنار شد.

تکبر آنانی که خیال می کنند از ران ژوپیتز زاده شده اند حتا با چشم غیر مسلح نیز قابل رویت است. رهبران غربی دوست دارند خودشان را با ارزشهای جهان شمول بیاریند، و یا با اتکاء به چنین پیش فرضی به همه جهانیان درس بدهند. گوئی بر تخت خدایگان مینوس برای قضاوت مردگان پیش از فرستادنشان به دنیای برزخی تاتاروس نشسته باشند (خدائی که مورد عنایت خاص افلاطون نیز بوده است) امتیازات خوب و بد، مجازات و پاداش هایشان را تقسیم می کنند. ولی تا اطلاع ثانوی، این داوران خدشه ناپذیر خوب و بد، سانسور کننده های خود برگزیده در پیشگاه بقیه جهان بشریت خیلی به دور از خدایان کهن بوده و نسبتی با آنان ندارند. ولی ما می توانیم تشخیص دهیم تا چه اندازه این نمایندگان امپریالیسم بی شرم « بشر و حتا خیلی بشر » هستند و تجربه نیز به ما نشان داده است که رأی اینان همواره بر این اصل استوار بوده که « همیشه کاری را که من به شما می گویم انجام دهید، ولی هرگز به کاری دست نزنید که من به آن دست می زنم ».



انتشار یک پرونده پژوهشی توسط انستیتو واتسون^۲ نشان داده است که ایالات متحده از ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ برای «جنگ علیه تروریسم» ۵۹۰۰ میلیارد دالر خرج کرده است. این جنگ قهرمانانه حق علیه باطل به وسعت ۷۶ کشور یعنی ۳۹٪ از کشورهای جهان هزینه عظیمی را به خود اختصاص داده که معادل مجموع تولید ناخالص داخلی فرانسه و بریتانیا است. ولی این موضوع فاجعه بارتر از همه نیست: زیرا بانیان جنگ علیه تروریسم می توانند به میزان نتایج انسانی بی بدیل آن نیز مفتخر باشند. بر اساس همین پرونده، در عملیاتی که از سوی ایالات متحده آمریکا در عراق، افغانستان و پاکستان در کوران این مدت انجام گرفته بین ۴۸۰۰۰۰ و ۵۰۷۰۰۰۰ نفر کشته شده اند. بر اساس گمانه زنی پژوهشگرانی که این پرونده را نوشته اند باید به قربانیان مستقیم جنگی که واشنگتن به پا کرده قربانیان غیر مستقیم آن را نیز اضافه کنیم که تعدادشان خیلی بیشتر است. این نیم میلیون قربانی فقط یک گمانه زنی در سطح بسیار نازل بوده و آن را باید در حد بخش قابل رویت کوه یخی در اقیانوس تلقی کنیم. زیرا در مجموع ۷۶ کشور از سوی ایالات متحده آمریکا هدف سخاوتمندانه این جنگ صلیبی ضد تروریستی قرار گرفته اند و اگر محاسبه قربانیانی که روی محراب خیر تقدیم خدایان شده اند به دقت انجام بگیرد، تعدادشان خیلی سرسام آورتر خواهد بود.

² Brown University, USA

متأسفانه تعداد قربانیان باز هم خیلی بیشتر خواهد بود اگر قربانیان محاصره و تحریمهای مرگباری را که کشورهای ثروتمند علیه کشورهای فقیر به راه می اندازند محاسبه کنیم، و به ویژه محاصره عراق که سبب مرگ نیم میلیون کودک شد، مادلن اولبرایت^۳ وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا چهره نمادین حقوق بشر را به یاد می آوریم که می گفت این « بهائی بود که باید پرداخت می شد». ولی آیا موضوع مهم برای غربی ها این نیست که وجدانشان آرام داشته باشد؟



در فردای حمله هسته ئی به هیروشیما و ناکازاکی که ۲۲۰۰۰۰ کشته بر جا گذاشت، بی آن که ضرورت نظامی داشته باشد، جنرال های ایالات متحده این رویداد را همراه با خانواده هایشان به شکل عادی که به آئین دائمی تبدیل شد با یک کیک به شکل قارچ اتمی جشن می گیرند.

ریشه دار در ناخودآگاه جمعی ملتی ست که خود را برگزیده خدا می داند، این هویت مفروض در پیوند با عمل خیر خواهانه در چیدمان ارقام، محاسبه مرگ آفرینی هایش که روی پنهان سکه نیکی نزد ملتی الگوواره است خدشه ای وارد

نمی کند که همواره با تشعشعات نورانی خود جهان را به شگفتی واداشته است. با این وصف، چند میلیون قربانی در کشورهای دور دست چه اهمیتی دارد تا وقتی که آمریکا در تخیلاتش از روش زندگی آمریکائی^۴ برخوردار است ؟ فرد ساده دلی که با چنین میزانی از خسارات انسانی بهت زده می شود می تواند تصور کند که دست کم مبارزات واشنگتن علیه تروریسم به موفقیت هائی نیز دست یافته است. ولی به کجا باید نگاه کنیم تا آثار مثبت این تلاش عظیم شوالیه سفید دموکراسی را ببینیم ؟

در واقع، یگانه نقطه ای از جهان که به پوزه تروریستها واقعاً ضربه وار شد سوریه بود، یعنی کشوری که با روسیه هم پیمان است و می دانیم که روسیه قویاً در تخریب دستگاه تروریستهای که از سوی هم پیمانان واشنگتن تأمین مالی می شدند شرکت کرد، یعنی کشوری که مورد نفرت ایالات متحده است. در حالی که ایالات متحده آمریکا بی شرمانه اجازه داد تا داعش پالمیرا را در سال ۲۰۱۴ تصرف کند. علاوه بر این، قانقاریای تروریسم هماهنگ با ضرب آهنگ مداخلات ارتش آمریکا گسترش یافت، گوئی آنانی که سر می بردند از کامیون های ارتش آمریکا و توطئه چینانش پیاده شده بودند. بی گمان دونالد ترمپ برای انکار چنین واقعیتی با پافشاری و شهامت فوق العاده ای ایران را به منشأ تروریسم در خاورمیانه متهم کرد^۵. انحراف خاص گفتمان رسمی در غرب، یعنی واژگون جلوه دادن بی شرمانه حقیقت که عبارت است از نسبت دادن اعمال پست خود به حریف مقابل – که نقطه اوج تاریخی آن احتمالاً در سال ۲۰۱۸ واقع شده است.

³ Madeleine Albright

⁴ American way of life

⁵ مترجم: یعنی همان تبلیغات و گفتمانی که ماغالباً در رسانه های اپوزیسیون های پنتاگونی طبیعتاً مزدور خائن می شنویم و با می خوانیم.

ولی کافی نبود و جبهه خوبان هرگز از براهین زیرکانه کم نمی آورد خصوصاً وقتی که باید از قبول مسئولیت جنایاتش شانه خالی کند. زیرکانه تر از سنت و ازگون سازی حقیقت – که اندکی با مسخرگی و ابتذال در وضعیت مماس قرار می گیرد – در فضای کارشناسی غرب «نظریه اشتباه ستراتیژیک» - بر اساس تعریف عمل ناخواسته را گویند - طرفداران پر شوری وجود دارد. نظر به نتایج جنگ مفروض علیه تروریسم، تهیه کنندگان عادی ساده دل که صحنه تلویزیون را اشغال کرده اند پاسخ می گویند که جنگ عادلانه و صحیح بوده ولی منحرف شده است. می بایستی علیه تروریستها مبارزه می کردند، البته، ولی با هوشیاری. برای نمونه، درباره سوریه، به اصطلاح کارشناسان توضیح می دهند که غرب قربانی «توهم» شومی شده بود، زیرا به توازن نیروهای محلی به دقت آشنائی نداشت، یا این که مأموران سیا به زبان عربی آشنائی نداشتند و کوتاه سخن این که ضعف کارشناسی وجود داشته... و در ادامه می گویند: ولی اگر به کارشناسان واقعی گوش کرده بودند، امروز به اینجا نمی رسیدیم.

اگر بین خطوط را بخوانیم، رهبران دموکراسی شجاع ما خواهان وارد آوردن چنین خساراتی نبوده اند، نیت آنان خوب بوده ولی مشاورین و مجریان بی کفایت بوده اند. نقطه کور این نظریه، اینجاست که ناآگاهی از واقعیات و بی شرمی سیاسی را مخلوط می کند، و روی اولی اصرار می ورزد تا دومی را در اذهان تحریف کند.



دلیل و برهان های تقلبی مانند «توهم» یا «اشتباه ستراتیژیک» را دائماً برای اثبات نقد «نرم» و بی آزار سیاست غربی به کار می برند ولی با وجود توفیق در کسب اعتبار فزاینده مانع از این امر نیست که از مسمومیت بالائی برخوردار است. زیرا در نور پردازی روی آنچه می خواهند نشان دهند، روشنگریهایشان دچار اختلال می شود و سرانجام به کتمان واقعیت نهائی می انجامد. ادعای جنگ علیه تروریسم به این دلیل که ناآگاهان و افراد ناکارآمد آن را هدایت می کرده اند به شکست نینجامیده است. بلکه خیلی به دور از آن که جنگ علیه تروریسم باشد، در واقع اهداف دیگری را پی گیری می کرده است. برای درک این موضوع کافی ست به مداخلات امپریالیستها از سال ۲۰۰۱ نگاهی بیندازیم. القاعده که توسط سیا ایجاد شده بود تا در افغانستان علیه کمونیستها[!!] بجنگند، نه القاعده و نه شبکه های دیگر مانند النصره و داعش با پشتیبانی های مالی و نظامی رژیمهای سلطنتی نفتی خلیج (فارس) هیچ گاه از خشم و اشنگتن خدشه ای بر دامنه شان وارد نشد. و شایسته وزارت امور خارجه خواهد بود که برای جبران خسارت به بیوه بن

لادن، به پاس خدمات نیکو و وفادارانه در مقام بهترین مأمور سازمان سیا، پانسیون را در نظر بگیرد که سزاوار او باشد.



از وقتی که ایالات متحده آمریکا علیه تروریسم اعلام جنگ کرد نه تنها تروریسم هرگز تا این اندازه شکوفا نبوده بلکه [گوئی فقط بر حسب اتفاق] کشورهای مستقلی که امروز مانند دیروز عملاً باید با حمله تروریستی مقابله می کردند از مدتها پیش در فهرست سیاه شاهین های پنتاگون به ثبت رسیده بودند. اشغال افغانستان، تخریب عراق، لیبیا، سودان، تجاوز به سوریه و تحریم ایران، گرسنگی دادن به یمنی ها :

به گفته میشل رامبو آجنگ علیه تروریسم بهانه ای ست برای تخریب سازماندهی شده ساختارهای دولتی در «خاورمیانه بزرگ». اگر نخواهیم بپذیریم که جنگ علیه تروریسم در واقع جنگ برای گسترش تروریسم و تداوم هرج و مرج در این بخش از جهان که انباشته از معادن نفت و به همین گونه ملتهای نافرمان است هرگز سیاست غرب در منطقه را درک نخواهیم کرد.

خلاف گفتمان رایج رهبران سیاسی غرب درباره « دشمن مرگبار، اسلام گرائی افراطی»، گفتمانی که مناسب ساده اندیشان است، آنانی که کارشان بریدن سر آدمهاست هیچ عملی علیه سیاست فرادست مدارانه ایالات متحده آمریکا انجام

⁶ Michel Raimbaud, . Tempête Sur le Grand Moyen-Orient, le monde arabo-musulman entre l'Empire atlantique et l'Eurasie

<https://nos-medias.fr/video/michel-raimbaud-tempete-sur-le-grand-moyen-orient-le-monde-arabo-musulman-entre-l-empire>

مترجم : نویسنده کتاب « طوفان در خاور میانه بزرگ. جهان عرب و مسلمان بین امپراتوری آتلانتیک و اوراسیا». ۳۱ جنوری ۲۰۱۷. میشل رامبو خاصه در تعریف جغرافیائی خاورمیانه بزرگ تازگی دارد به این علت که کشورهایی مانند اندونزی را نیز جزء آن به حساب می آورد. در واقع از دیدگاه رامبو «خاورمیانه بزرگ» بر اساس خواست سیاسی آمریکا از آتلانتیک تا اندونزی تعریف می شود.

نداده اند. یعنی سیاستی که مشخصاً برای تداوم خود به این نیروهای مخرب نیازمند است. مزدور و بز گر گله، جهاد طلب از هر نوع دستمال کاغذی مورد نیاز امپراتوری جنایت را عرضه می کند.

تکبر تحقیر آمیز و دروس اخلاقی تحمل ناپذیر رهبران غربی در واقع جدار دودی ست که بسادگی و با خیال آسوده روی گورهای می پراکنند که مسؤولیت اجسادى که در آنجا خفته اند روی دوش آنان سنگینی می کند. این امر نه تنها ناسزاگوئی به هوش ملت‌های ست که به آنان گوش می دهند بلکه بخصوص، دورادور از همه وخیمتر، بی شرمی در رابطه با ملت‌های ست که از سوی آنان به مرگ و فقر محکوم شده اند.

در این توطئه، پرچم دروغین^۷ مرگبار یک قاعده و بمباران کور نیز یک روش عملیاتی ست، از کابل تا بغداد، از طرابلس تا صنعا و از موصل تا دمشق، ایالات متحده آمریکا همه رکوردها را شکسته است، ولی هم پیمانان فرانسوی و بریتانیایی، این سگ‌های جنگی امپراتوری نیز از ارتکاب به جنایت در سطح توده ها کم نیاورده اند. باید پرسیم که به جز این سه کشور، چند کشور دیگر در جهان وجود دارد که می تواند ادعا کند که این همه در کشورهای دیگر جنگ به پا کرده، این همه تحریم اقتصادی به کشورهای دیگر تحمیل کرده و این همه ملت‌های مستقل را به بی ثباتی گرفتار کرده است؟ اگر از میهن دوستی حتا بهره ناچیزی برده باشند، شهروندانشان به خیابانها می آمدند و خواستار توقف جنایات افسار گسیخته علیه ملت‌های می شدند که هیچ حرکتی علیه آنان انجام نداده اند و حتا برخی از این مردمان با ساده دلی تمام به ارزشهای غرب ورشکسته باور داشتند.

آدرس الکترونیک متن اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/la-guerre-contre-la-terreur-alibi-dun-crime-de-masse/5628963>

برگردان از: حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه/۲۰ نومبر ۲۰۱۸

⁷ false flag